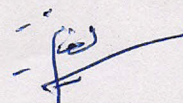


*Au nom de Dieu*

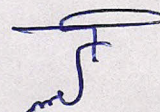
**Nous soussignés les membres de jury, après avoir lu et examiné le mémoire de  
Master de Mademoiselle Fatéméh Hassanzadeh, sommes d'avis favorable  
pour sa soutenance :**

Membre de jury :

Professeur directeur : Madame le docteur Roya Létafati



Professeur consultant : Monsieur le docteur Hamid Réza Shairi



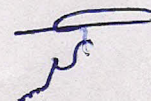
Professeur invité : Madame le docteur Nahid Jalilimārand



Professeur invité : Monsieur le docteur Rouhollah Rahmatian



Chef de département : Monsieur le docteur Shairi



Date de la soutenance : 18 .07.2010

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب ..... دانشجوی رشته ..... در ..... ورودی سال تحصیلی .....  
مقطع ..... دانشکده ..... متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: .....  
تاریخ: ۱۹/۱۱/۸۷

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته

است که در سال ۱۳۸۹ در دانشکده علوم انسانی

دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر لطیفی مشاوره

سرکار خانم/جناب آقای دکتر سعیدی و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب فاطمه حسینی دانشجوی رشته روانشناسی مقطع کارشناسی ارشد

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: فاطمه حسینی

تاریخ و امضا:

۱۹/۱۱/۸۳



Université Tarbiat Modares  
Faculté des sciences humaines  
Département de français

**Mémoire de master en didactique du FLE**  
**Rôle de l'enseignant iranien en tant que médiateur interculturel**

Préparé et soutenu par  
**Fatéméh Hassanzadeh**

Sous la direction de :  
**Madame le Docteur Roya létafati**

Professeur consultant :  
**Monsieur le Docteur Hamid Réza Shairi**

**Juillet 2010**

## REMERCIEMENTS

Cette recherche n'aurait pu se réaliser sans l'aide précieuse de plusieurs personnes. J'aimerais d'abord remercier profondément Madame le docteur Roya Létafati qui a dirigé cette étude de façon très professionnelle et qui a été d'une grande responsabilité. Sa disponibilité, sa compétence et ses conseils judicieux m'ont permis de mener à terme cette étude. Je lui en suis très reconnaissant.

Je tiens également, à exprimer ma reconnaissance la plus profonde à mon professeur consultant, Monsieur le docteur Hamid Réza Shairi pour ses nombreux et riches conseils pendant l'élaboration de ce travail de recherche. Qu'il accepte ma gratitude et ma reconnaissance les plus respectueuses.

Je voudrais présenter, ensuite, mes remerciements les plus sincères à l'égard de Monsieur le Docteur Rouhollah Rahmatian et Madame le Docteur Nahid Jalili pour avoir bien voulu lire l'intégralité de ce mémoire.

Par ailleurs, je souhaiterais remercier tous les enseignants de français surtout les étudiants de FLE de l'université Tarbiat Modares qui m'ont accordé leurs temps et m'ont permis de mener mon étude de terrain.

Ce travail m'a demandé beaucoup de temps et de sacrifices. Merci à mes amis surtout à Motahar, Shima, Mohamad et à Nadia qui m'ont vraiment aidé dans la poursuite de mes objectifs.

## ***Résumé***

L'enseignement /l'apprentissage de langue a toujours été dans une situation d'affrontement entre deux ou plusieurs cultures qui met l'apprenant et surtout l'enseignant dans la situation de médiation interculturelle . Au cours de ces dernières années et sous l'influence des efforts de l'union européenne qui revendique des interactions interculturelles, on a assisté à un regain d'intérêt pour l'enseignement des langues étrangères, impliquant la culture qu'elles transportent. Mentionnée dans le *Cadre européen commun de référence pour les langues*, cette volonté a introduit une grande évolution dans ce domaine en attribuant le rôle de médiateur interculturel aux enseignants des langues étrangères. Dans cette perspective, l'enseignant doit être capable de développer auprès de ses étudiants la prise de conscience des schémas culturels et de les préparer à les assumer lors de rencontres interculturelle qui a pour but de passer - à rejet ou à acceptation absolue de la culture de l'Autre - à un enrichissement culturel. D'autre part, il doit avoir une connaissance approfondie de certaines notions comme les représentations mentales et sociales, les préjugés et les stéréotypes qui influencent la perception de l'enseignant envers la réalité culturelle.

Dans la présentes recherche, on a essayé d'évaluer les différents compétences de l'enseignant de FLE en Iran en tant que médiateur interculturel; on a planifié et élaboré un questionnaire multidimensionnel afin de vérifier les compétences des enseignants iraniens sur le plan de leur représentations mentales surtout envers la diversité culturelle, leur sensibilité culturelle, appartenance identitaire et leur comportement en tant que médiateur interculturel.

**Mots Clés :** Culture, Médiateur interculturel, Enseignant du FLE, Identité culturelle, Représentations culturelles.

## ***Abstract***

Language teaching is not limited to transfer the language knowledge. It has been always a meeting place between two languages or more. During a communication between the persons with different cultural references, the language could be a source of misunderstanding; In this situation, it is principal to have a right perception of the other culture; a language teacher as a person who is conscious of cultural characteristics of the target languages and the source language could play the role of an intercultural mediator. Referred in *The Common European Frame as Reference for the Languages*, this new function, suggests that the native and non native language teachers can be intercultural mediators challenging the rigid categories of identity to bring out productive discussion and unexpected understandings about the self and the other; of the other hand, they should develop their intercultural understanding that means having an interactional perception from the other cultures and transferring this competence to the students. The final aim of intercultural mediation in language teaching is to create the empathy and to establish a successful communication devoid of any prejudgment between the students from different cultures.

In this present research, it has been tried to evaluate the skills of the French teachers in Iran as intercultural mediators by using a multidimensional questionnaire which assess their personal and behavioral skills like mental representations to cultural and linguistic diversity, sense of identity, cultural sensitivity and their behaviors as intercultural mediators in language class and in society.

**Key words:** Culture, Intercultural mediator, French teacher, Cultural identity, Cultural representations



# INTRODUCTION

*« Le médiateur n'est pas un intermédiaire dont on a besoin, mais un pédagogue qui s'efface. »*

**Annie Cardinet**

De nos jours, presque tous les chercheurs du domaine de l'enseignement-apprentissage de langue, s'accordent à dire que *langue, pensée et culture* sont inséparables et que leur interaction nécessite une approche nouvelle dans l'étude de ces concepts. On constate que la composante culturelle s'impose progressivement comme un objet à part entière de l'enseignement/apprentissage du français langue étrangère (FLE).

On assiste à un regain d'intérêt pour l'enseignement des langues étrangères, impliquant les cultures qu'elles transportent. A ce sujet Christian Puren affirme : *« apprendre une langue, c'est apprendre à se comporter de manière adéquate dans des situations de communication où l'apprenant aura quelque chance de se trouver en utilisant les codes de la langue cible »* (Puren in Manoa, 2009 :209). Le souci de l'efficacité de la communication a inspiré les partisans de l'approche communicative à prendre davantage conscience de la culture de l'apprenant, de ses représentations et de la culture cible. En ce sens, le rôle de l'enseignant en tant que médiateur et facilitateur est fondamental : en prenant en compte la dimension culturelle de la langue, l'enseignant doit être capable de développer auprès de ses

étudiants la prise de conscience des schémas culturels et de les préparer à les assumer lors de rencontres interculturelles.

Dans une classe de langue où s'entrecroisent la culture de l'apprenant et celle véhiculée par la langue enseignée, l'enseignant a pour mission de permettre le développement optimal – sur les plans cognitif, affectif et culturel – des apprenants qui sont sur le plan de l'identité culturelle très différents les uns des autres. Cette confrontation aux différences ainsi que leur gestion au sein de la classe constituent des défis importants.

En s'inscrivant dans une perspective interculturelle, l'enseignant peut emprunter plusieurs voies dans le but d'orienter la vision des apprenants de la langue étudiée et de la culture qui lui est associée. Il ne s'agit pas de présenter une vision positive ou négative du pays et du peuple étranger, mais plutôt de susciter la curiosité et l'ouverture d'esprit des apprenants sans qu'il y ait surestime ou sous-estime de sa propre culture.

L'enseignant dans son rôle de médiateur interculturel est celui qui intervient dans la transmission de l'information culturelle, un interprète des cultures et un acteur constructif ; Geneviève Zarate dans son projet de recherche sur la médiation interculturelle définit ainsi le rôle de l'enseignant-médiateur :

*« L'approche interculturelle propre aux didactiques des langues-cultures fait de l'enseignant de FLE un médiateur interculturel qui aura pour rôle de rapprocher les deux cultures et ainsi instaurer un climat d'ouverture et de respect indispensable à la société de plus en plus tenue par la mondialisation qui est la nôtre »*(Zarate , 2003 :17). L'enseignant doit œuvrer, selon ses connaissances, à l'édification progressive d'une compétence interculturelle chez l'apprenant. Il s'efforcera d'éliminer les stéréotypes et préjugés, à réfléchir aux méthodes avec lesquelles il peut amener ses apprenants à s'approprier cette conscience

interculturelle en les aidant à connaître les différentes représentations culturelles, à s'adapter dans des situations problématiques. Il doit rendre intelligibles les ruptures de sens dans la médiation interculturelle et repérer les stéréotypes élaborés pour la culture de l'Autre et révéler les préjugés relatifs à sa propre culture. Par là, l'apprentissage de savoirs culturels lui permet de s'enrichir et de relativiser des évidences culturelles et ainsi faciliter l'accès à la compréhension de l'Autre et de sa culture.

La médiation interculturelle dans l'enseignement des langues prend ses origines dans le mouvement de l'éducation multiculturelle qui essaie de résoudre les problèmes des diversités culturelle, linguistique et religieuse. Le multiculturalisme est un phénomène social contemporain des sociétés modernes, les pays d'accueil des immigrés et surtout de l'Europe unifiée d'aujourd'hui. L'une des définitions du multiculturalisme est ainsi donnée dans la conception française comme « un des modèles possibles de l'intégration à la communauté politique et nationale des populations immigrées » (*Encyclopédie Universaliste*). Mais la situation de l'Iran sur ce plan est différente : ce phénomène existe à un niveau local et le multiculturalisme est lié à une diversité ethnique. Dans ce sens, l'Iran est un pays homogénéisé.

Au niveau de l'enseignement des langues étrangères, la relation des Iraniens avec d'autres langues et cultures est indirecte surtout en raison de l'éloignement géographique. Cette situation influence aussi le domaine de l'enseignement du français en Iran, ce qui augmente les responsabilités de l'enseignant iranien en tant que médiateur interculturel. Celui-ci doit interpréter les représentations culturelles ou produire le sens lors de situations de différence, de conflit ou de manque culturel en considérant que l'interculturel est un domaine des sciences de l'éducation qui relève aussi bien de la culture de l'Autre que de la sienne. La

majorité de son public apprenant iranien a l'intention d'immigrer ou continuer ses études dans les pays francophones ; ce changement de société risque de provoquer dans l'avenir de grands chocs culturels et peut construire ou détruire l'identité de l'apprenant selon le contexte de ce choc et les utilisations qu'il en ferait. Dans un tel contexte, l'enseignant iranien en tant que médiateur doit développer chez l'apprenant la compétence interculturelle qui a pour but de passer - à rejet ou à acceptation absolue de la culture de l'Autre - à un enrichissement culturel car c'est en se connaissant bien soi-même et sa propre culture que l'on peut le mieux communiquer avec l'Autre. Et c'est en communiquant avec l'Autre que l'on a toutes les chances de mieux se connaître.

## **Problématique**

D'après tout ce qu'on vient de dire l'enseignement /l'apprentissage de langue a toujours été dans une situation d'affrontement entre deux ou plusieurs cultures qui met l'apprenant et l'enseignant dans la situation de médiation interculturelle . L'enseignant de langue comme il est formé à cette fin, transmet la compétence linguistique aux apprenants mais comment peut-il se présenter en tant qu'un médiateur interculturel ?

## **Questions de recherche**

1. Quels sont les principes primordiaux pouvant influencer dans le sens positif la médiation interculturelle ?
2. En prenant en compte le contact indirect entre les apprenants iraniens et la culture francophone, quel doit être le fondement de l'enseignant iranien en tant que médiateur interculturel ?

3. Dans quelle mesure l'enseignant iranien a les compétences nécessaires pour être un médiateur interculturel ?
4. Quelle est la sensibilité culturelle des enseignants, la perception et le comportement adopté vis-à-vis de leur propre identité culturelle, de la diversité culturelle existant en Iran et dans d'autres cultures ?

## **Hypothèses**

1. La connaissance approfondie des certains concepts et principes comme la compétence interculturelle, les représentations mentales, sociales et culturelles ainsi que le respect de l'Autre pourraient avoir des influences positives sur le succès de travail de médiation interculturelle.
2. Concevoir sa propre identité culturelle et la connaissance des caractéristiques culturelles iraniennes pourraient être considérées comme le point départ de cette démarche en Iran.
3. Etant donné la situation de contact indirect avec la culture de l'Autre dominant dans la société iranienne et le manque de formation nécessaire sur le plan du travail culturel dans la classe, l'enseignant iranien n'aurait pas l'ensemble des compétences requises pour jouer le rôle de médiateur.
4. Compte tenu du phénomène d'immigration dans la jeune génération iranienne, l'appartenance identitaire pourrait diminuer. Les stéréotypes et les préjugés fossilisés sur les différentes cultures locales pourraient avoir une influence négative sur l'approche positive des enseignants.

## **Objectif**

L'objectif du présent mémoire est de démontrer comment l'enseignant de langue peut être un médiateur interculturel à travers l'enseignement d'une langue étrangère dans la mesure où il peut développer chez les apprenants la compétence interculturelle et s'appuyer sur leur identité et leur culture d'origine.

## **Méthodologie de recherche**

Ce mémoire s'inscrit dans le domaine de la didactique du français langue étrangère. Il est effectué dans le cadre d'une étude théorique sur le rôle de l'enseignant en tant que médiateur interculturel et les composantes primordiales de ce travail. Pour mener à bien cette recherche, une enquête a été faite auprès des enseignants de français en Iran par le biais d'un questionnaire composé de trois sections.

## **Présentation des chapitres :**

Ce mémoire de recherche sera présenté en trois chapitres :

Dans le premier chapitre, nous aborderons les différentes composantes de l'identité linguistique et culturelle pour situer notre recherche par rapport à la perspective interculturelle qui est la base de la médiation interculturelle.

Ensuite, nous présenterons la médiation interculturelle en donnant les différentes définitions de celle-ci et en présentant un historique. Avant de définir le rôle de l'enseignant en tant que médiateur interculturel, nous développerons certaines notions comme les stéréotypes, les préjugés, les représentations culturelles et les implicites, auxquelles l'enseignant peut avoir recours en tant qu'outils. Et à la fin de ce chapitre, nous étendrons le rôle de l'enseignant au médiateur en s'inscrivant dans une perspective d'empathie.

Le dernier chapitre sera consacré à la partie pratique : les différentes étapes de préparation et de planification des questionnaires, l'analyse des réponses et les résultats que nous aurions pu en tirer afin d'évaluer les compétences des enseignants iraniens sur le plan de leur représentations mentales, leur sensibilité culturelle et leur comportement en tant que médiateur interculturel.



# **CHAPITRE I**

**IDENTITE CULTURELLE ET LINGUSITIQUE**

**EN TANT QUE LES PRINCIPES DE DEMARCHE**

**ITNERCULTURELLE**

## **1.1. Langue et culture dans l'enseignement des langues**

La relation langue/culture est bien étroite car elles sont les deux faces d'une même pièce. Cette relation est constitutive du canal nécessaire à la transposition didactique. Car comment peut-on enseigner une langue étrangère, sans la construire sur la base d'un socle, en l'occurrence la variable « culture » qui est subdivisée dans ses éléments manifestés sous forme de contenus, qui, distribuent le sémantisme des faits langagiers, permettent la possibilité de la fonction référentielle et favorisent la manifestation des conditions nécessaires à la construction du sens et, le plus intéressant, la construction de ses propres perceptions et représentations de l'Autre.

Louis Procher signale que dans les principes épistémologiques, langue et culture sont « indissociable » (Procher, 1986 :43). Jean-Paul Narcy Combe rappelle que langue, culture et savoir entretiennent entre eux une « relation transductive » (Narcy –Combe, 2005 : 307). C'est-à-dire, qu'ils ne peuvent exister indépendamment les uns des autres.

L'enseignement des langues a longtemps occulté la dimension culturelle qui est véhiculée dans tout rapport à la langue au nom d'une dimension fonctionnelle, cependant, les nouvelles orientations didactiques ont voulu prendre en

considération le rapport unissant langue et culture, en rebaptisant l'enseignement des langues-cultures, notamment avec les travaux de Robert Galisson (1991), Abdallah-Preteuille (1990) et Genièvre Zarate (1994). Dorénavant, tout enseignement de langue doit favoriser la dimension (inter) culturelle.

Différentes sciences, telles que la psychologie interculturelle, les sciences de communication, la didactique des langues étrangères, ont montré que toute rencontre avec l'Autre implique un partage de systèmes symboliques différents d'ordre culturel, ce qui implique que la dimension identitaire (identité/altérité, représentations, stéréotypes, etc.) entre en jeu aussi.

Dans le domaine de la didactique des langues étrangères, des notions telles que celles des représentations et d'identité culturelle deviennent primordiales car elles problématisent la relation que l'apprenant (et parfois l'enseignants) entretient d'une part avec la culture étrangère enseignée et d'autre part avec sa propre identité.

Dans ce chapitre, on tente de présenter les diverses étapes de construction de l'identité, l'identité culturelle, les représentations en tant qu'expressions de Soi et visions de l'Autre ; en plus temps on développe la notion de l'identité linguistique et son rapport avec l'identité culturelle pour parvenir à une perception plus claire et plus structurée de la notion de l'interculturalité et les différentes méthodologies qui abordent ce domaine.

### **1.1.2. Eclairer le concept de culture**

Le concept de culture manque de définition claire à cause de nombreuses acceptations, de nombreux usages du terme et de nombreuses perspectives d'analyses. C'est une situation signalée par beaucoup d'auteurs et qui n'est, en fait, pas spécifique à la culture: la langue ou le temps souffrent aussi de ce défaut. Il en

résulte la confusion sémantique des mots habituellement utilisés et l'opacité des concepts qu'ils prétendent représenter ou illustrer.

La notion de culture est centrale dans l'ensemble des sciences humaines et sociales. La culture est à la fois action et état, et ce qui est entre les deux, à savoir processus de formation. Elle est « *action* », de cultiver la personne ou l'esprit, de développer des facultés créatrices ou d'exprimer la vie d'une communauté (Beneton, in Zarate et al, 2003 :166). Elle désigne aussi l'état qui est celui de connaissances, d'aptitudes, de qualités de l'homme cultivé. Elle peut être vue comme le « référent de la socialisation », car elle est ce qui donne sens à « l'ensemble des pratiques sociales » (Kok Scale, 1975 :157); elle constitue un espace de référence qui permet à l'homme de se situer dans une relation d'appartenance ou d'exclusion face à un groupe social, pour extrapoler la définition donnée par E. Tylor en 1871 et selon laquelle la culture «est ce tout complexe qui comprend la connaissance, les croyances, l'art, la morale, le droit, les coutumes, et les autres capacités ou habitudes acquises par l'homme en tant que membre de la société» (Tylor, in Zarate et al, 2003 : 170). Levi-Strauss définit la culture comme « un ensemble de systèmes symboliques dont le langage, les règles matrimoniales, les rapports économiques, l'art, la science, la religion et dans lesquels l'aspect relationnel est déterminant » (*Idem.*). Pratique mentale et physique, elle appelle en effet l'échange et nécessite la reconnaissance de l'identique et du différent. Et avec E. Benveniste, on précise que la culture, définie «comme un ensemble très complexe de représentations, organisées par un code de relations et de valeurs, [...] est un univers de symboles intégrés en une structure spécifique et que le langage manifeste et transmet». (Benveniste, in Normand, 1989 :23